

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۰۱ می ۲۰۲۰

جهان در اوّل ماه می

قطعاً اوّل ماه می امسال، متفاوت با دیگر سال‌های روز جهانی کارگر است. به این علت که مشخصه‌های جامعه‌های سرمایه‌داران در قلمرو منافع و اهداف سیاسی، اقتصادی و بیولوژیک شان تغییر و جهان را در موقعیت افسباری قرار داده‌اند. جدا از بی‌رونقی اقتصاد و بی‌صدائی خیابان‌ها، یک موضوع آشکار است که اوضاع معیشتی کارگران در مضیقه هر چه بیش‌تری قرار گرفته و نیز بر میزان ناامنی‌های شغلی و بیکارسازی اضافه شده است. میلیون‌ها انسان و آن‌هم بدون کمترین پشتوانه‌های مالی - زیستی در انتظار آینده نامعلوم‌اند و دودلی نیست که علل اوضاع کنونی و وخیم‌تر شدن شالوده‌های کاری، اجتماعی و خانوادگی میلیارد‌ها انسان، بر گرده سرمایه‌داران است. به هر حال کارگران جهان، امسال در شرایطی به استقبال اوّل ماه می خواهند رفت که ویروس کرونا، جامعه انسانی را احاطه کرده و تا به حال جان هزاران تن را گرفته است؛ ویروسی که در اثر مصالح و رقابت‌های دولت‌مردان بزرگ جهانی در جوامع مختلف شیوع یافته و متأسفانه بهای آن را میلیون‌ها کارگر، زحمتکش و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی می‌پردازند. البته درک وضعیت کنونی تا حدودی برای میلیون‌ها کارگر و دیگر توده‌های ستم‌دیده ناشناخته و یا ناروشن نیست؛ همچنین تا حدودی دریافته شده است که دولت‌مردان بزرگ در تعرض به تنه‌های کارگران و زحمتکشان و در تلف شدن مردم کمترین کوتاهی از خود به خرج - نداده و نمی‌دهند. چرا که جان مردم برای طبقات بالائی‌ها بی‌ارزش و نیروی‌های‌شان سکوی پرشی برای کسب درآمد بیشتر به حساب آمده و می‌آید. نمونه‌های بی‌شماری در برابر جهان مدافع بشریت قرار دارد که چگونه قدرت‌مداران بین‌المللی در توافق و یا در چهارچوب تضادهای درونی، میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را ملعبه سیاست‌های ضد انسانی خود قرار داده‌اند. جنگ به راه می‌اندازند، درد و مرض‌های گوناگون تولید می‌کنند و نیز میکروب‌های متفاوت در میان مردم پخش می‌کنند تا کمپانی‌های بزرگ تسلیحاتی و داروسازی سودهای کلان به جیب بزنند. این خاصیت سرمایه‌داران است. یعنی این‌که، حیات لحظه‌ای طبقه سرمایه‌داری مترادف با فقر و بدبختی، مترادف با بالا کشیدن دست‌مزدهای ناچیز کارگران و مترادف با تعرض به مطالبات سیاسی - صنفی طبقه کارگر است. طبقه سرمایه‌داری با چنین مختصات و کارکردی زنده است و به همین دلیل همه‌جای طناب اسارت و بندگی کارگران را سفت‌تر و همه‌جا کارگران را قربانی مطامع سیاسی- اقتصادی‌اش می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت که دوران سخت و پُر سنگلاخ و در حقیقت، جدل و نیردی گسترده - در پساکرونا -، پیشاروی طبقه کارگر و آن‌هم در مبارزه با سیستم و مناسبات حاکم بر جامعه قرار گرفته است؛ سیستم و مناسباتی که پاسخ‌گوی جامعه و نیازهای بدیهی سازندگان اصلی آن نیست؛ سیستم

و مناسباتی که همواره و همواره، بارِ دائم‌التزیدش را بر دوش میلیاردها کارگر و زحمتکش سرشکن کرده است؛ و خلاصه سیستم و مناسباتی که رنگ و پوست، نژاد و مرز نمی‌شناسد و هم و غمش، تضمین و تأمین منافع طبقات حاکم و سودجو است.

براستی که مشاهدهٔ اوضاع جهان و ستیز طبقاتی شدید و بی‌وقفه، در تخالف با این نظر نیست که عللِ نارضایتی میلیاردها انسان - یعنی ۹۹ درصدی جامعه -، نامعتبر و یا بی‌محتوا نیست. جهان به دلیلِ زیاده‌خواهی‌های ۱ درصدی جامعه، به دو سوی متضاد از هم تقسیم شده است که طبقاً یکسوی آن را، طبقهٔ سرمایه‌داری با جناح‌ها و دار و دسته‌های رنگارنگش، و سوی دیگر آن را طبقهٔ کارگر و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی تشکیل می‌دهند. طبقهٔ سرمایه‌دار با تسلط بر دم و دستگاه‌های تبلیغاتی و با ابزار و آلات نظامی، در پی انحرافِ اعتراضات کارگری و توده‌ای، استثمار و تعرض به معیشت کارگران، گسترده‌تری ترس و وحشت و ناامنی، راه‌اندازی و تداوم جنگ‌های ارتجاعی، و به دنباله پخش و ویروس‌های متفاوت در درون جامعه است و در مقابل طبقهٔ کارگر خواهان حقوق اولیه، زندگی بی‌دغدغه و فارغ از معضلات و مشکلات دست‌ساز حاکمان زورگو و مهم‌تر از آن‌ها برقراری جامعه‌ای منطبق بر عدالت و برابر است. این خواست و جهان منطبق با افکار و آرمان کارگران است که با منطق و با افکار حامیان دنیای کنونی در تضاد است. تلف شدن میلیون‌ها زن و مرد و کودک به‌دلیل نبود نیازهای بدیهی و اولیه‌ای چون آب، بهداشت، سرپناه و غیره، گویای این واقعیات است که حاکمان و مناسبات جهان کنونی، در خدمت به بشریت، و در خدمت به رشد و بالندگی جوامع سرشار از ثروت نیست. به عبارت روشن‌تر سیستم سرمایه‌داری مدافع گشتار کارگران و زحمت‌کشان و نیز عامل اصلی تلف شدن مردم است. میلیون‌ها کشته در اثر جنگ‌های منفعت‌طلبانه و آواره شدن میلیون‌ها تن دیگر از خانه و کاشانه‌شان؛ کشته شدن ۷۵ میلیون نفر در اثر طاعون، مرگ و میر بیش از ۳۰۰ هزار نفر در روز و در اثر گرسنگی و بی‌آبی، کشته شدن بیش از ۴ میلیون نفر در سال در اثر بیماری‌های و آلودگی‌ها، و مخصصات جامعهٔ سازمان داده شدهٔ طبقهٔ سرمایه‌داری است.

در نتیجه، این اولین بار نیست که جهان با پدیدهٔ مرگباری همچون ویروس کرونا رودرروست؛ اولین بار نیست که درمندان جهان، شاهد بی‌مبالاتی و یا عدم مسؤلیت‌پذیری مسؤلین حکومتی و دولتی در قبال معضلات و مشکلات پیش‌روی مردم‌اند؛ و اولین بار نیست که مراکز درمانی و پزشکی در مضیقهٔ نیازهای اولیه‌اند. نبود و قطع امکاناتی همچون دست‌کش، ماسک، و دیگر اقدامات پیش‌گیرنده در مقابله با میکروب‌ها و حوادث طبیعی، از زمرهٔ رهاوردهای نظام‌های سرمایه‌داری است. پس غیر منتظره و یا بی‌دلیل نیست که کارگران، زحمت‌کشان و دیگر صدمه‌دیدگان سیاست‌های امپریالیستی، ناراضی از رفتار و اعمال بانیان و مسببین اوضاع کنونی‌اند. وجود هزاران اعتراض و اعتصابات کارگری و توده‌ای در مقابل دوائر دولتی و تولیدی، اعتصاب کادرهای پزشکی و درمانی به دلیل فقدان وسائل اولیه، نشانهٔ نارضایتی و تنفر طبقات و اقشار دردمند جامعه نسبت به سیاست‌های حاکمان و سرمایه‌داران است. نیز بی‌علت نیست که طبقهٔ کارگر و دیگر محرومان، کمترین گوش شنوا و یا باوری به سیاست‌ها و "چاره‌اندیشی"های حاکمان در مقابله با ویروس کرونا ندارند.

به طور نمونه نافرمانی و در حقیقت مخالفت و اعتراض مردم با سیاست‌های مسببان وضعیت کنونی، همچون ترک خانه‌ها، عدم فاصله‌گیری‌های فزاینده، و یا حضور گسترده در پارک‌ها و ساحل‌ها، و مهم‌تر از همهٔ این‌ها اعتراضات و تجمعات خیابانی در شهرهایی همچون امریکا، المان، انگلستان و غیره، چیزی جز بی‌توجهی و نادیده‌گیری مردم به "نصایح" و عواملان وضعیت کنونی نیست. به میزانی دریافت شده است که جامعه و مردم را به بازی گرفته‌اند؛ به میزانی آشکار شده است که اعلان آمار و ارقام کشته‌ها از جانب دولت‌مردان واقعی نیست و عمق

فاجعه و رازهای نهفته در پس کرونا را از مردم پنهان نگه می‌دارند؛ به میزانی روشن شده است که سیاست و اهداف به مراتب فراتر از مقابله با ویروس کرونا در دستور کار دولت‌مردان بزرگ امپریالیستی قرار دارد؛ سیاست و اهدافی که گام به‌گام و در چهارچوب تضادهای درونی بر ملا و به روی صحنه سیاست آمد. در هر صورت و به قطع می‌شود گفت که هیچ‌یک از دولت‌مردان جهان جانب طبقه کارگر نیستند و میلیون‌ها کارگر را بدون کمترین حمایت‌های مالی - زیستی و امنیتی رها و از کار بیکار کرده‌اند، و نیز میلیون‌ها مرکز ساختمانی، تولیدی کوچک و توزیعی را ورشکسته و صاحبان آن را به تله مرگ سوق داده‌اند تا قدر قدرتی و حاکمیت بلامنازع خود را به نمایش بگذارند.

خلاصه بیکارسازی و فروپاشی زندگی هزاران انسان و نیز آمار و ارقام مرگ و میرها در ابعادی غیر قابل تصور روبه بالاست. بنابه خبرگزاری‌های امپریالیستی تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر کشته و میلیون‌ها نفر دیگر بیکار شده‌اند. شالوده زندگی و روابط انسانی میلیون‌ها انسان دگرگون و بر میزان آسیب‌رسانی و خشونت‌های خانگی اضافه شده است. ۳۰ میلیون نفر در دوران ویروس کرونا، مورد آزار و اذیت، خشونت روحی و فیزیکی خانگی قرار گرفته‌اند که در این‌میان انگلستان با افزایش ۵۰ درصدی روبه رو بوده است. این اوضاعی است که قدرت‌مداران بین‌المللی به دنیای انسانی حقه کرده‌اند و به طور یقین می‌شود گفت که اوضاع کارگران و دیگر محرومان جوامع وابسته‌ای همچون جامعه ایران، بسیار وخیم‌تر و دردناک‌تر از جوامع به اصطلاح پیشرفته سرمایه‌داری است. کارگر در ایران بنابه ده‌ها دلیل روشن، فاقد ابتدائی‌ترین حقوق و حمایت‌های کاری و زندگی است. نظام وابسته جمهوری اسلامی در چهار دهه حاکمیتش، شیرازه زندگی میلیون‌ها کارگر را از هم پاشاند. استثمار بی‌رحمانه و عدم پرداخت دست‌مزدهای ناچیز کارگران و به تبع سرکوب و حشیانۀ مطالبات سیاسی - صنفی، به رویه و به سیاست روتین صاحبان تولیدی و دولت حامی آنان تبدیل گشته است.

واقعیت این است که لحظه‌ای نظام جمهوری اسلامی - و به ویژه در دوران "مبارزه" با ویروس کرونا -، از تعرض به کارگران پس نکشیده است. در یکی دو ماهه اخیر کارگران «فاز ۲ پالایشگاه آبادان» به دلیل عدم پرداخت حقوق‌های‌شان و نیز به اخراج ۲۰ نیروی بومی در مقابل ساختمان پالایشگاه دست به اعتراض زدند؛ ۱۷۰ کارگر «شهرداری الشتر» در استان لرستان نسبت به عدم پرداخت حقوق ۶ ماهه‌شان اعتراض کردند؛ ۱۲۴ کارگر «کارخانه کنتورسازی» در مقابل استانداری قزوین به بهانه کرونا و بستن کارخانه و معرفی آنان به بیمه بیکاری دست به اعتراض زدند؛ ۱۰۰ هزار کارگر در ۱۰ روز اخیر در استان مازندران، گلستان و لرستان بیکار شده‌اند و ۶۵ هزار نفر در قم، کرمانشاه، مازندران، چهارمحال‌بختیاری، مهاباد و سبزوار برای دریافت بیمه بیکاری ثبت‌نام کرده‌اند. هم چنین ۳۰۰ کارگر شاغل «شرکت آب و فاضلاب» اهواز نسبت به عدم پرداخت حقوق‌های‌شان اعتراض کردند؛ یک کارگر ساختمانی در «دره شهر» در اثر سقوط بالابر جان خود را از دست داده است؛ ابتلای بیش از ۴۰ کارگر «پتروشیمی ارومیه» به کرونا؛ جان‌باختن دو تن از کارگران «کارخانه مقواسازی شهرک صنعتی» نجف‌آباد اصفهان در اثر سقوط، در مخزن چرخ‌کننده مقوا؛ و در ادامه جان‌باختن ۲ تن دیگر از کارگران شاغل «کارخانه شهرک صنعتی کاوه» در ساوه ...، گویای رقت‌بار کار و زندگی کارگران زیر سیطره نظام جمهوری اسلامی است؛ نظامی که از همان آغاز برگماری‌اش، کمر به نابودی و تعرض به معیشت کارگران و دیگر جنبش‌های حقیقت‌طلبانه بسته است. برآستی که کارگر در ایران در هیچ حوزه‌ای در امنیت نیست؛ از پرداخت حقوقش سر باز می‌زند، اخراجش می‌کنند، از وسائل ایمنی و بهداشتی در مضیقه‌اش قرار می‌دهند، در ملاءعام به شلاقش می‌بندند، هر اعتراض و اعتصابش را با دستگیری، شکنجه و سرکوب پاسخ می‌دهند تا وی را به تسلیم و

کرنش وادارند. این اوضاعیست که در مقابل کارگران ایران قرار گرفته است و علاوه بر این‌ها، اگر بخواهیم بر نرخ تورم ۴۱ درصدی جامعه و مهم‌تر از همه این‌ها به افزایش دقیقه‌ای اقلام اولیه زندگی اضافه کنیم، آن وقت بهتر می‌توان به موقعیت زندگی میلیون‌ها کارگر و دیگر توده‌های رنج‌دیده جامعه ایران پی بُرد.

حقیقتاً دهه‌های مدیدیست که گردونه اقتصاد ایران در خدمت به سود و فزونی بیش از پیش سرمایه‌های بادآورده طبقه حاکمه است و در ادامه چهار دهه است که طبقه کارگر ایران در زیر سلطه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی علی‌رغم تلاش شبانه روزی، ناتوان از تهیه نیازهای پایینی زندگیست. متأسفانه در ایران زیر سیطره نظام وابسته جمهوری اسلامی کودکان به جای حضور در سر کلاس‌ها، به نیروی کار خیابانی تبدیل شده‌اند، فارغ‌التحصیلان به کارهای کاذب روی آورده‌اند و هزاران انسان دردمند و آن‌هم در عصر رشد و تکنولوژی و انبساط ثروت، به گورخوابی و کارتن خوابی روی آورده‌اند. همه این‌ها از سر خیر حکومت‌مداران و دولت‌مردان است و شک و شبهه‌ای نیست که نظام جمهوری اسلامی هم به مانند دیگر نظام‌های سرمایه‌داری، مولد بحران و بانی تخریب زندگی سازندگان اصلی جامعه بشری است. خلاصه یک‌موضوع روشن است که طبقه سرمایه‌داری با استثمار بی‌رویه، با بگیر و ببندها و با سرکوب ممتد جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای قادر به ادامه حیات است. بر مبنای چنین واقعیتیست که ارگان‌ها، نهادها و دم و دستگاه‌های رنگوارنگ وابسته به خود را به جان کارگران و قربانیان نظام امپریالیستی انداخته است تا مناسبات ناعادلانه‌اش را محفوظ نگه دارد. پس تنها راه رهایی از وضعیت آس‌فبار کنونی، خلاصی و در حقیقت زیر و رو کردن سیستم مختص با منافع طبقه سرمایه‌داریست. مسلم است که نه تنها کارگران بلکه دیگر توده‌های ستم‌دیده در جامعه پساگرونا، در تیررس استثمارگران، نهادها و ارگان‌های سرکوبگر آن قرار خواهند داشت. نظام‌هایی که همواره و همواره بار بحران دائم‌التزیدشان را به دوش میلیون‌ها کارگر و زحمتکش سرشکن کرده‌اند و نظام‌هایی که خشت‌شان با دروغ‌گوئی و ریا، با دغل‌بازی و با چپاول اموال عمومی ریخته شده است.

بدین ترتیب دنیای کنونی، نیاز به تغییر ریل و شفیت به سمت رشد و بالندگی دنیای برارنده انسان، و نیز تضمین و تأمین منافع طبقه کارگر و دیگر توده‌های ستم‌دیده دارد. بی‌شک تغییر آن وابسته به پس زدن و نابودی حاکمیت سرمایه‌داری از مسند قدرت است؛ وابسته به اتخاذ سیاست‌های عملی روشن در برابر نظام‌های سرمایه‌داری و از جمله نظام جمهوری اسلامیست؛ وابسته به عکس‌العمل مناسب نیرو و سازمان مدافع یگانه طبقه تا به آخر انقلابیست. در حقیقت سرنوشت سیاسی - اقتصادی طبقه کارگر، با عروج و با دخالت‌گری عملی سازمان کمونیستی گره خورده است. چرا که ضد انقلاب حاکم بر جامعه، سازمان و دم و دستگاه‌های متناسب با منافع خود را علیه طبقه کارگر به صف کرده است و طبقه کارگر هم، نیاز به سازمان و سازماندهی متناسب با خواست‌ها و مطالبات خود در میدانی تولیدی و نیز در درون جامعه دارد. فهم این قضیه و در حقیقت رفع خلاء مبارزاتی تاکنونی، از زمره وظایف کلیدی عنصر و نیروی متعلق به طبقه کارگر به حساب آمده و کاملاً محرز است که تا مادامی، جامعه شاهد عکس‌العمل بموقع نیروهای متعلق به جنبش‌های دمکراتیک و انقلابی و به ویژه طبقه کارگر نباشد، دولت‌مردان حاکم همچنان به استثمار و به قلع و قمع کارگران و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی ادامه خواهند داد.

بجا است تا همراه با گرامیداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر به این نکته تأکید شود که تنها آرمان کمونیستی، سازمان و حزب مرتبط با آن، قادر به زیر و رو کردن مناسبات امپریالیستی در اقصا نقاط دنیا و به خصوص در زیر سلطه نظام وابسته جمهوری اسلامیست. پس هرگونه تعلل مبارزاتی - سیاسی، بی‌حضوری و بی‌تفاوتی و به

ویژه کج‌فهمی پیرامون نقش پیشاهنگ کمونیستی در درون جامعه، خواسته‌های طبقه کارگر ایران و دیگر توده‌های محروم و ستمدیده را به عقب خواهد انداخت. متأسفانه این‌ها نقصان‌ها و کمبودهایی‌ست که به مدت چندین دهه بر فضای تمامی جوامع سرمایه‌داری و نیز بر فضای جامعه ایران لنگر انداخته و مانع پیشرفت‌های لازمه و مکفی جنبش‌های مبارزاتی طبقه کارگر و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی شده است.

۲۹ اپریل ۲۰۲۰

۱۰ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۹